

Divergence of Articles (568) and (569) of the Islamic Criminal Code in order to determine the Diah for fracture, emphasizing the advisory opinions of the Legal Department of the Judiciary

MohammadJafa
SadeghPour*

Assistant Professor of Jurisprudence and Law Department
of Shahr Kurd university, Shahr Kurd, Iran.

Abstract


In Article (568) and Clause (a) of Article (569) of the Islamic criminal Code, the legislator has expressed the amount of Diah for fracture. Assigning two different articles to this issue has caused the perception that these two articles have a different subject. This view is strengthened by the legislator's statement to assign the rule of Article (568) to "fracture of a limb" and Article (569) to "fracture of a bone of a limb". The difference or sameness of the subject of these two regulations, along with the gaps and challenges that are facing them, makes it necessary to analyze their structure and basis. This necessity is more felt by referring to the conflicting views of the legal authorities of the judiciary in this regard and the existence of fundamental problems in the Shariah and jurisprudence foundations of these two articles. Understanding this importance, the writer, with a descriptive-analytical method, while strengthening the divergence of the above-mentioned articles, suggests the removal of Article (568) due to its content or lack of Shari'i validity. It is also mentioned in this essay that paragraph (a) of article (569) needs to be fundamentally amended and in this regard, three suggestions for the amendment of this article have been mentioned.

Keywords: Diah; Fracture; Improvement; Article (568); Article (569).

* Corresponding Author: Mohammad.sadeghpour@sku.ac.ir

How to Cite: SadeghPour, M. J. (2022). Divergence of Articles (568) and (569) of the Islamic criminal Code in order to determine the Diah for fracture, emphasizing the advisory opinions of the Legal Department of the Judiciary. *Journal of Criminal Law Research*, 11(41), 153-174. doi: 10.22054/jclr.2023.59592.2301

واگرایی مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی با تأکید بر نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

محمدجعفر صادق پور *  استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران.

چکیده

مقنن در ماده (۵۶۸) و بند (الف) ماده (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی در مقام بیان میزان دیه شکستگی برآمده است. اختصاص دو ماده مختلف به این امر موجب ایجاد تلقی تفاوت موضوعی این دو مقرر شده است. این نگره با توجه به تصریح مقنن به اختصاص حکم ماده (۵۶۸) به «شکستگی عضو» و معطوف ساختن حکم ماده (۵۶۹) به «شکستگی استخوان عضو» تقویت می‌شود. تعدد یا یگانگی موضوع این دو مقرر در کنار خلأها و چالش‌هایی که پیش‌روی آنها است، واکاوی مبتی آنها را ضرورت می‌بخشد. چنین ضرورتی با مراجعه به نظریات متعارض اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص و نیز وجود اشکال اساسی در مبانی شرعی و فقهی این دو مقرر بیشتر احساس می‌شود. نگارنده با درک این مهم، با روشی توصیفی-تحلیلی، ضمن تقویت واگرایی مواد فوق‌الذکر، حذف ماده (۵۶۸) را به جهت حشویت یا عدم وجاهت شرعی پیشنهاد می‌کند. همچنین، در این نوشتار ثابت شده است که بند (الف) ماده (۵۶۹) نیازمند اصلاح بنیادین است و به شکل فعلی علاوه بر ابتلائی به خلأ، فاقد پشتوانه استوار شرعی است؛ لذا در این نوشتار، سه پیشنهاد مختلف برای اصلاح ماده اخیر ارائه شده است.

واژگان کلیدی: دیه، شکستگی، بهبود، ماده (۵۶۸)، ماده (۵۶۹).

مقدمه

شکستگی استخوان‌ها یکی از پرشمارترین صدماتی است که در محاکم قضایی کشور پرونده‌های مختلفی به آن اختصاص یافته است. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده (۴۰۱) قانون مجازات اسلامی، کیفر قصاص را به جهت خطر تجاوز بیشتر در رابطه با شکستگی استخوان‌ها منتفی دانسته و در عین حال برای این صدمه در مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) ق.م.ا.دیه تعیین کرده است. دقت در مفاد این دو ماده نشان می‌دهد که در اصل تعیین دیه و نیز میزان آن به متغیرهای مختلفی توجه شده است. نخستین متغیر این است که عضو شکسته شده یا عضوی که استخوان آن شکسته، دارای دیه مقدر باشد یا نباشد. در صورت نخست دیه و در فرض دوم ارزش ثابت خواهد بود. همچنین اینکه شکستگی بهبود می‌یابد یا نه و اگر بهبود یابد، به صورت کامل بهبود یافته یا نه؟ جملگی در اصل تقریر دیه یا میزان آن مؤثر دانسته شده است. با این همه، آنگاه که دو ماده مذکور در کنار یکدیگر و به شکل مقارنه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند، اشکالات متعددی در رابطه با آنها به ذهن می‌رسد که همین اشکالات برای دادرسان محاکم قضایی نیز ایجاد مشکل کرده است. این اشکالات و ابهامات موجب شده دادرسان چالش خود را نزد مراجع پاسخگو عرضه کنند، اما پاسخ‌های متشکست این مراجع چیزی از این ابهامات نکاسته است. به عنوان نمونه در پی پرسش از رابطه مواد (۵۶۸) و (۵۶۹)، ادراة حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۹۲/۷/۱ خود ضمن پذیرش وحدت موضوع این دو ماده، صور زیر را از این دو ماده استنباط کرده است: «۱. استخوان شکسته شده مربوط به عضوی است که آن عضو فاقد دیه مقدر است؛ در این صورت مطابق ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ارزش ثابت خواهد شد مگر اینکه در قانون حکم دیگری برای آن شکستگی مقرر شده باشد مانند شکستن استخوان ترقوه.

۲. استخوان شکسته شده مربوط به عضوی است که آن عضو دارای دیه مقدر است و پس از شکستگی به طور کامل و بدون عیب و نقص بهبود یافته است؛ در این صورت مطابق هر دو

ماده ۵۶۸ و ۵۶۹ چهاربیست و پنجم که همان چهار پنجم دیه شکستگی عضو است ثابت خواهد شد.

۳. استخوان شکسته شده مربوط به عضوی است که آن عضو دارای دیه مقدر است و استخوان پس از شکستگی بهبود نیافته است یا به صورت ناقص بهبودی پیدا کرده است؛ در این صورت بین ماده ۵۶۸ و ۵۶۹ تعارض وجود دارد زیرا ماده ۵۶۸ در این مورد ارش را ثابت می داند ولی ماده ۵۶۹ یک پنجم دیه کامل را که باید از طریق قانون رفع شود.

این در حالی است که همین ادراه در نظریه شماره ۷/۹۳/۱۹۰ مورخ ۹۳/۲/۶ تا حدودی از دیدگاه فوق عدول کرده و ضمن ادعای تعدد موضوع این دو ماده، مدعی شده است: «مواد ۵۶۸ و ۵۶۹ (بند ۱) قانون مجازات اسلامی با یکدیگر تعارضی ندارند و جهات تفاوت بین این ماده عبارتند از:

۱. در ماده ۵۶۸ بحث از اعضائی است که دیه مقدر یا غیر مقدر دارند؛ در حالی که ماده ۵۶۹ صرفاً ناظر به اعضای دارای دیه مقدر است؛ ۲. ماده ۵۶۸ شامل فرض شکستگی منتهی به درمان با عیب یا بی عیب (هر دو) می گردد؛ ولی ماده ۵۶۹ صرفاً از درمان بدون عیب صحبت کرده و به صراحت مطلبی پیرامون درمان با وجود و بقای عیب مطرح نکرده است.

به هر صورت، صرف نظر از اینکه شکستگی عضو می تواند جدای از شکستگی استخوان مصداق داشته باشد (مانند شکستگی گوش یا شکستگی غضروف بینی)، در ماده (۵۶۸) قانونگذار اراده خود را در تعیین ارش برای عیب و نقص ناشی از شکستگی عضو یعنی اصلاح ناقص علاوه بر دیه مقدر شکستگی استخوان، اگر وجود داشته باشد، اعلام داشته است. بنابراین، دیه شکستگی استخوان (موضوع قسمت اول بند الف ماده (۵۶۹) امری جدای از ارش عیب و نقص شکستگی عضو موضوع قسمت وسطی ماده ۵۶۸ است که ناظر بر کارآئی و منافع عضو است و لذا نباید از صدر بند الف ماده ۵۶۹، این مفهوم مخالف را استنباط نمود که اگر شکستگی عضوی با عیب اصلاح یا درمان شود، تنها دیه آن یک پنجم دیه آن عضو است و مبلغ دیگری نباید تعیین شود.

بنابراین از نظریه شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۹۲/۷/۱ (بند ۳) تا حدی که مغایر این نظریه است، عدول می شود».

به نظر می‌رسد اگر اشکالاتی که در خصوص نحوه ارتباط مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) وجود دارند برطرف نشوند، تمسک به آنها برای تعیین دیه شکستگی دشوار بوده و این اختلافات کماکان وجود خواهند داشت. از این رو، تبیین نحوه ارتباط این دو مقرره و در نتیجه مفاد دقیق آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. شگفتا که این اهمیت موجب نشده که پژوهشگران عرصه فقه و حقوق در این رابطه پژوهش استوار و مستقلی سامان دهند و جز پاره‌ای مطالب که در شروح قانون مجازات اسلامی (زراعت، ۱۳۹۵: ۲۹۳/۳-۲۹۶) یا در ضمن مباحث مرتبط بیان شده (بای، ۱۳۹۴: ۳۱-۶۵) ادبیات پژوهشی مستقلی در این زمینه شکل نگرفته است. نگارنده با درک ضرورت و اهمیت این موضوع، ضمن بهره‌گیری از تلاش دانشگاہیان در این عرصه، تلاش دارد با رویکردی تحلیلی، نحوه ارتباط مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) را واکاوی نموده و از این رهگذر به تبیین گستره این دو ماده نائل آید.

۱. صور مختلف شکستگی در مواد (۵۶۸) و (۵۶۹)

مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) هر دو در خصوص دیه شکستگی هستند. مقنن در این دو ماده صور مختلفی برای شکستگی و دیه شکستگی بیان کرده که بایستی لزوماً مورد توجه قرار گیرند. قانونگذار در ماده (۵۶۸) ق.م.ا.مقرر کرده است: «در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه پس از جنایت به گونه‌ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهاربست و پنجم دیه آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارزش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد». وفق این مقرره شکستگی عضو دو حالت کلی دارد: الف) عضو شکسته شده دیه مقدر ندارد؛ در این صورت ارزش ثابت است. ب) عضو شکسته شده دیه مقدر دارد؛ در این صورت، دو حالت کلی قابل تصور است: ۱. عضو شکسته شده بطور کامل بهبود (بدون عیب و نقص) یابد؛ در این صورت چهاربست و پنجم دیه عضو ثابت است. ۲. عضو شکسته شده بطور ناقص بهبود (همراه عیب و نقص) یابد؛ در این صورت ارزش ثابت است. مقنن در بند الف) ماده (۵۹۶)، که در خصوص آسیب‌های استخوانی اعضایی است که دیه مقدر دارند، در رابطه با دیه شکستگی تصریح کرده است: «دیه شکستن استخوان هر عضو یک پنجم دیه

آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه شکستن آن است». وفق این ماده، شکستگی استخوان هر عضوی که دیه مقدر دارد، در دو محور قابل تبویب است: الف) شکستگی استخوان عضو (به شکل مطلق): یک پنجم دیه عضو ثابت است. ب) شکستگی استخوان همراه با بهبود کامل (بدون عیب): در این صورت چهارپنجم از یک پنجم دیه عضو - معادل چهاربیست و پنجم ديه عضو - به عنوان دیه ثابت خواهد بود.

۲. چالش‌های مواد (۵۶۸) و (۵۶۹)

تأمل در مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) بیانگر این مهم است که تفاوت‌هایی اساسی میان مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) وجود دارند که از رهگذر این تفاوت‌ها می‌توان به چالش‌ها و خلأهای مختلفی پی برد. این تفاوت‌ها و چالش‌ها را می‌توان به قرار زیر بیان نمود:

۲-۱. شکستگی عضو یا استخوان

موضوع ماده (۵۶۸) که در صدر ماده به آن اشاره شده «شکستگی عضو» است؛ این در حالی است که موضوع ماده (۵۶۹) «شکستگی استخوان عضو» بیان شده است. چنین تفاوتی نمی‌تواند تصادفی باشد، بلکه علی‌القاعده و بر اساس اصل احترازیّت قیود (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۶۱۰)، مقنن در بکارگیری این دو تعبیر متفاوت مترصد بیان نکته مهمی بوده است. به نظر می‌رسد مراد از شکستگی عضو در ماده (۵۶۸) این است که در اثر جنایت یا حادثه‌ای «عضوی» از اعضای انسان که قابلیت شکسته شدن دارد دچار شکستگی شود؛ همانند اینکه در پی ضربه‌ای آلت تناسلی مردی یا لاله گوش شخصی شکسته شود (زراعت، ۱۳۹۵: ۲۹۴/۳). اگر ماده مذکور در راستای بیان این موضوع باشد، که به نظر چنین می‌آید، مصادیق آن بسیار اندک خواهند بود و اگر مواردی همچون غصروف بینی نیز به آن افزوده شود، هیچ‌گاه تعدادشان از چهار عدد فراتر نخواهد رفت. لکن نکته قابل توجه این است که اگر چنین خوانشی پذیرفته شود و میان موضوع این دو ماده به ترتیب فوق تمایز ایجاد شود، بی‌تردید نمی‌توان تعبیر «شکستگی» در این ماده را یک تعبیر علمی دانست بلکه بایستی آن را بر یک مفهوم محاوره‌ای و عرفی (مجازی) حمل نمود. زیرا به لحاظ علمی نه آلت تناسلی

و نه لاله گوش و نه غضروف بینی هیچ یک دارای بافت استخوانی نیستند تا عنوان شکستگی که برای استخوان بکار برده می شود در خصوص آنها استعمال شود. لذا بایستی پذیرفت که مقنن در اینجا از یک تعبیر عرفی بهره برده است؛ کما اینکه عرف در خصوص لاله گوش از این تعبیر استفاده می کند. البته نمی توان منکر شد که چنین برداشتی از ماده (۵۶۸) منجر به تعدی از اصاله الحقیقه (نسبت به تعبیر شکستگی) است؛ با این حال، با توجه به تعبیر «شکستگی عضو» نمی توان این تعدی را فاقد توجیه دانست و استعمال مجازی را بدون قرینه پنداشت؛ بلکه واقعیت این است که نوع تعبیر مقنن حتی اجازه تفسیر دیگری را نمی دهد.

با این همه، علی رغم پذیرش این نگره، مشکل این ماده به همین جا ختم نخواهد شد؛ بلکه چالش اساسی تری پیش روی آن وجود خواهد داشت و آن فقدان مستند شرعی و در واقع عدم وجاهت شرعی این مقرر در صورت پذیرش چنین خوانشی است. توضیح بیشتر اینکه آنچه در کتب فقهی مورد اشاره قرار گرفته ثبوت یک پنجم دیه برای «شکستگی استخوان عضو» دارای دیه مقدر و ثبوت یک چهارم از این یک پنجم برای فرضی است که شکستگی استخوان بدون عیب و نقص بهبود یابد (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۲/۴۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹/۲۴۸؛ خمینی، بی تا: ۵۸۷/۲). اما در هیچ نص شرعی یا کتاب فقهی چنین تقریری برای «شکستن اعضا» بیان نشده است. بنابراین، اگر تفاوت موضوع مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) از این جهت پذیرفته شود، ماده (۵۶۸) به هیچ وجه مبنای شرعی و مستند فقهی نخواهد داشت و صرفاً می توان گفت حاصل قیاس شکستگی عضو با شکستگی استخوان عضو توسط مقنن خواهد بود. چه بسا به همین جهت بوده که در نظریه مشورتی ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۹۲/۷/۱ با چشم پوشی از اختلاف موضوعی فوق الذکر، این دو ماده در راستای بیان یک مطلب به شمار آمده اند و تعدد آنها صرفاً با توجه به تفاوت فروض آنها توجیه گشته است.

۲-۲. عضو دارای دیه مقدر یا بدون دیه مقدر

مقنن در ماده (۵۶۸) هم متعرض فرض شکستگی عضو دارای دیه مقدر شده و هم حکم دیه شکستگی عضوی را که «برای آن دیه مقدری نباشد» بیان کرده است. این در حالی است که

ماده (۵۶۹) صرفاً در خصوص شکستگی استخوان عضوی سخن گفته که دارای دیه مقدر باشد و اساساً به فرض اعضای بدون دیه مقدر نپرداخته است. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۹۲/۷/۱ این تفاوت را یکی از جهات اساسی در رابطه با توجیه تعدد این دو ماده دانسته و با تمرکز بر این امر و تفاوت‌های جزئی دیگر در صدد توجیه مقنن در زمینه تقنین این دو ماده در پی هم برآمده است. اما با توجه به اینکه وفق نظر برگزیده، موضوع این دو ماده متفاوت است لذا این وجه تمایز صرفاً می‌تواند یکی از موارد اختلاف آنها باشد نه اینکه فلسفه دوگانگی شان به شمار آید. به هر روی، اگر از این زوایه به این دو ماده نگریسته شود، ماده (۵۶۹) دارای خلأ برشمرده می‌شود و چون موضوعاً با ماده (۵۶۸) متفاوت است، نمی‌توان از فراز پایانی ماده اخیر برای ترمیم این خلأ بهره برد. البته واقعیت این است که با وجود ماده (۴۴۹) که قاعده ارش را بیان داشته، می‌توان گفت خلأ فوق اساساً پدید نخواهد آمد و با رجوع به این ماده جایی برای تحقق آن نیست.

۲-۳. خلأ فرض عدم بهبود

در ماده (۵۶۸) برای شکستگی اعضای که دارای دیه مقدر هستند دو فرض کلی بیان شده است: شکستگی همراه با بهبود کامل (بدون عیب و نقص) و شکستگی همراه با بهبود ناقص (همراه عیب و نقص). در ماده (۵۶۹) نیز دو فرض کلی مورد اشاره قرار گرفته است: شکستگی استخوان عضو (مطلق) و شکستگی استخوان همراه با بهبود کامل (بدون عیب). علیرغم اینکه به نظر می‌رسد فروض ماده (۵۶۸) با اندیشه‌ای منطقی‌تر تقسیم شده‌اند، اما در هر دو مقرر به صورت صریح به فرض «عدم بهبود» اشاره نشده است. در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۹۲/۷/۱ چنین ادعا شده بود که در ماده (۵۶۹) که سخن از شکستگی استخوان عضو بطور مطلق شده و برای آن دیه‌ای معادل یک پنجم دیه عضو در نظر گرفته شده، ناظر بر فرض «عدم بهبود» نیز می‌باشد. واقعیت این است که این برداشت گرچه می‌تواند به جهد و جهد به اثبات برسد، لکن باید پذیرفت که موضع مقنن از این جهت مبتلای به ابهام است و هر دو ماده از این زوایه دارای خلأ بوده و بنابراین دچار یک اشکال مشترک‌الورود هستند. نکته قابل توجه در نظریه مشورتی فوق‌الذکر این است که بر خلاف

واگرایی مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی با تأکید بر...؛ صادق پور | ۱۶۱ |

ادعای این نظریه ماده (۵۶۸) اساساً به فرض عدم بهبود اشاره نکرده تا بر فرض استنباط این فرض از صدر ماده (۵۶۹) میان آنها تعارض دیده شود.

۲-۴. تفاوت در توجه به فرض بهبود ناقص

یکی از نکات برجسته و مهم در دو ماده مذکور نحوه توجه به فرض بهبود ناقص شکستگی است. بدین بیان که در ماده (۵۶۸) برای شکستگی عضو در صورتی که به صورت ناقص (همراه عیب و نقص) بهبود یابد، ارزش ثابت دانسته و بنابراین چنین فرضی به صراحت بیان شده و حکم آن معین گشته است. لکن در بند (الف) ماده (۵۶۹) به فرض بهبود ناقص توجهی نشده است؛ بلکه صرفاً در فراز نخست آن از مطلق شکستگی استخوان عضو یاد شده و برای آن یک پنجم دیه عضو تعیین شده است. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۷/۱/۹۲ این فرضیه را مطرح کرد که این فراز علاوه بر اشتغال نسبت به فرض عدم بهبود، شامل فرض شکستگی با بهبود ناقص (همراه با عیب و نقص) نیز می شود و از این زاویه میان آن با ماده (۵۶۸) تعارض برقرار دانسته است. حق این است که اشتغال ماده (۵۶۹) نسبت به فرض بهبود ناقص را نمی توان ضعیف انگاشت؛ زیرا با عنایت به ماده (۵۶۸) که در مقابل بهبود کامل صرفاً از بهبود ناقص یاد کرده و بدین ترتیب دو گانه بهبود ناقص و کامل را تصویر نموده و همین طور با توجه به پاره ای از نصوص شرعی و فتاوی فقهی که در برخی اعضا فرض بهبود ناقص را ملحق به عدم بهبود کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۷؛ حرّ عاملی: ۱۴۰۹، ۲۹: ۳۰۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۳۰/۱۵؛ خویی، ۱۴۲۲: ۴۰۲/۴۲)، بسیار پذیرفتنی است که اطلاق شکستگی استخوان عضو، فرض بهبود ناقص را نیز پوشش دهد. اما با وجود این، گذشته از عدم صراحت ماده (۵۶۹) در این مطلب، به هر روی در اینکه فرض بهبود ناقص در ماده (۵۶۹) به طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته تردیدی نیست و از این زاویه به نسبت ماده (۵۶۸) دچار کاستی قلمداد می شود. اما با این اوصاف، اگر هم پذیرفته شود که اطلاق شکستگی استخوان عضو، شامل فرض بهبود ناقص خواهد شد باز با توجه به تعدد موضوع مواد فوق الذکر نمی توان میان مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) تعارض برقرار نمود و از این جهت نظریه مشورتی فوق قابل خدشه است.

۲-۵. تفاوت در تعریف بهبود کامل

یکی از نکات قابل توجه و جالبی که در ضمن مقایسه مواد فوق‌الذکر به دست می‌آید تفاوت تعریف یا توصیف بهبود کامل در آنهاست. مقنن در ماده (۵۶۸) آنگاه که در مقام بیان بهبود کامل برآمده، آن را اصلاحی دانسته که در پی آن «هیچ عیب و نقصی باقی نماند». وفق این مؤلفه، بهبود کامل آن است که پس از تحققش نه عیبی در عضو آسیب‌دیده باقی مانده باشد و نه نقصی. این در حالی است که در ماده (۵۶۹) عدم «عیب» (بدون دخالت عدم نقص) به تنهایی برای تحقق بهبود کامل کافی دانسته شده است؛ زیرا در این ماده درمان «بدون عیب» بهبود کامل قلمداد شده است. به نظر می‌رسد قانونگذار در استفاده از تعبیر عطفی «عیب و نقص» متأثر از نگاه‌های فقهی بوده است؛ زیرا در نصوص شرعی و به تبع آن کتب فقهی، اغلب برای فرض بهبود شکستگی از دو تعبیر «العیب و العثم» استفاده شده است. به عنوان مثال در روایت ظریف آمده است: «فِي الْفَخَذِ إِذَا كُسِرَتْ فَجَبِرَتْ عَلَى غَيْرِ عِثْمٍ وَلَا عَيْبٍ خُمُسُ دِيَةِ الرَّجُلِ مِائَتَا دِينَارٍ فَإِنْ عَثِمَتْ فَدِيَتُهَا ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ دِينَاراً وَ ثُلُثُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ ثُلُثُ دِيَةِ النَّفْسِ: هر گاه استخوان ران بشکند و بدون کژی و عیب بهبود یابد، یک‌پنجم دیه پا یعنی ۲۰۰ دینار دیه دارد و در صورت کژی، دیه آن ۳۳۳ دینار و یک‌سوم دینار یعنی یک‌سوم دیه نفس می‌باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۳۳۹؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۸۸/۴).

عثم آنگاه که نسبت به نوع التیام شکستگی استعمال می‌شود، مفید معنای انحناء و کژی است، زیرا در کتب لغت آمده است: «عثم العظم المكسور: یعنی استخوان شکسته‌شده که به شکل غیرمستوی جوش خورد» (جوهری، ۱۴۱۰: ۵/۱۹۷۹؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۱۱۰/۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۶/۲). ظاهراً مقنن در راستای همراهی با تعابیر شرعی و فقهی در مقام ترجمه واژه «العثم» از عبارت نقص استفاده کرده است. لکن واقعیت این است که در ادبیات حقوقی اصطلاح «عیب» می‌تواند دارای مفهومی گسترده باشد که نقص را هم پوشش دهد و لذا با آوردن تعبیر عیب نیازی به واژه نقص نخواهد بود. با این حال، آنچه اهمیت دارد و مقنن باید به آن توجه می‌نمود این است که عبارات خود را یکسان‌سازی می‌کرد؛ زیرا مخاطبان فنی قانون هیچگاه تعابیر متفاوت مقنن را بر تفنن در عبارت حمل نمی‌کنند و نباید هم حمل کنند،

واگرایی مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی با تأکید بر...؛ صادق پور | ۱۶۳ |

بلکه این تفاوت‌ها را متکی بر اصل احترازیّت قیود ناشی از قصد مقنن در ایجاد تمایز میان مفاهیم و مصادیق خواهند انگاشت. بنابراین، گرچه ما معتقدیم در چنین مواردی نیازی به ذکر تعبیر نقص نیست بلکه اساساً نباید از آن استفاده می‌شود، اما اگر بنا شد این تعبیر در کنار عیب به مثابه مؤلفه بهبود کامل یا ناقص ذکر شود، باید در همه موارد بکار گرفته شود تا متن قانون از ادبیات تقنینی یکسان و یک پارچه‌ای برخوردار باشد.

۲-۶. مسئله نقص عملکرد

استفاده از تعبیر «نقص» در کنار عیب در ماده (۵۶۸) موجب خلط شگفتی شده است. اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۳/۱۹۰ مورخ ۹۳/۲/۶ در راستای تبیین اراده مقنن در ماده (۵۶۸) چنین نظر داده است: «در ماده ۵۶۸ قانونگذار اراده خود را در تعیین ارزش برای عیب و نقص ناشی از شکستگی عضو یعنی اصلاح ناقص علاوه بر دیه مقدر شکستگی استخوان، اگر وجود داشته باشد، اعلام داشته است. بنابراین، دیه شکستگی استخوان (موضوع قسمت اول بند الف ماده ۵۶۹) امری جدای از ارزش عیب و نقص شکستگی عضو موضوع قسمت وسطی ماده ۵۶۸ است که ناظر بر کارایی و منافع عضو است و لذا نباید از صدر بند الف ماده ۵۶۹، این مفهوم مخالف را استنباط نمود که اگر شکستگی عضوی با عیب اصلاح یا درمان شود، تنها دیه آن یک پنجم دیه آن عضو است و مبلغ دیگری نباید تعیین شود».

چنانکه مشاهده می‌شود در این نظریه تعبیر «نقص» به معنای نقص عملکرد قلمداد شده و در واقع ناظر بر کارایی و منافع عضو تلقی گشته و برای آن ارزش تعیین شده است. نکته مهمتر اینکه وفق این نگره ارزش تعیین شده، امری است زاید بر دیه شکستگی؛ بدین معنا که در فرض شکستگی عضو، علاوه بر دیه شکستگی که ثابت است و در ماده مذکور مفروضه دانسته شده، برای نقص عملکردی که حاصل گشته نیز باید ارزش پرداخت شود.

فارغ از مباحث مربوط به وجاهت شرعی نتیجه نظریه فوق (تعیین ارزش نقص عملکرد مازاد بر دیه شکستگی)، اساساً این استنباط نمی‌تواند صائب باشد؛ زیرا اگر در ماده (۵۶۸) بر تعبیر «شکستگی عضو» تمرکز نشود و با تکیه بر آن موضوعش کاملاً متفاوت با ماده (۵۶۹) تلقی نگردد - همانگونه که از مفاد نظریه مشورتی چنین برداشت می‌شود - با وجود ماده

(۵۷۳) اساساً نیازی به بیان این فرض نبود؛ زیرا در مادهٔ اخیر به صراحت بیان شده که «هرگاه صدمه بر استخوان، موجب نقص عضو یا صدمهٔ دیگری گردد، هر یک دیهٔ جداگانه‌ای دارد». و بر این پایه، ارزش یا دیه برای نقص عملکرد حاصل از شکستگی، با استناد به این ماده ثابت خواهد بود و نیازی به این نبوده که مقنن در مادهٔ (۵۶۸) به این موضوع پردازد. اما اگر موضوع این دو ماده متفاوت انگاشته شود - چنانکه عقیدهٔ ماست و در نظریهٔ مشورتی به عنوان یک احتمال مطرح شده است - چون در این صورت لاجرم بایستی شکستگی را به معنای مجازی آن حمل کرد، مادهٔ (۵۷۳) که موضوع «صدمه بر استخوان» را مطرح کرده است، نمی‌تواند مادهٔ (۵۶۸) (با موضوع اعضای که لزوماً از جنس استخوان نیستند) را پوشش دهد. با این حال، در فرض اخیر نیز بهبود ناقص ناظر بر بدجوش خوردن شکستگی است نه نقص عملکرد حاصل از شکستگی. زیرا از عبارت «با عیب و نقص اصلاح شود» چنین استفاده می‌شود که عیب و نقص داشتن معطوف به نوع اصلاح یعنی جوش خوردن است (جوش خوردن با عیب و نقص؛ مثل کج جوش خوردن یا ایجاد کال استخوانی در ناحیهٔ التیام) نه ناشی از آن (نقص عملکرد ناشی از بدجوش خوردن).

به هر حال، واقعیت این است که همهٔ این مطالب فارغ از مبانی تقنین این دو ماده قابل طرح است؛ زیرا حقیقت این است که مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) حاصل رجوع غیرمتخصصانهٔ مقنن به متون فقهی است که در آنها از «تجبر بلا عیب و عثم» و «تجبر مع عیب و عثم» سخن به میان آمده (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵: ۶۱۹؛ خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۴۰۲) و مقنن با ترجمه کردن این دو محور، بهبود کامل و ناقص را به عنوان دو فرع مهم بر شکستگی‌ها بیان کرده است و ملاک تمایز آنها را با توجه به منابع فقهی وجود یا عدم «عیب و نقص» برشمرده است و این موارد اساساً هیچ ارتباطی با نقص عملکرد ندارند.

۲-۷. چالش در مستند شرعی

از مهمترین چالش‌های مواد (۵۶۸) و (۵۶۹)، چالش در مستند شرعی است. علیرغم اینکه در سطور فوق هم اشاراتی به این چالش شد لکن به نظر می‌رسد برای تبیین دقیق آن شایسته است در دو محور مختلف به بررسی این مسئله پرداخته شود:

۲-۷-۱. فقدان مستند شرعی برای قاعده دیه شکستگی

در سطور پیشین بیان شد که تعیین دیه با تفکیک فروض بهبود کامل و ناقص برای «شکستگی عضو» نه دارای مستند شرعی است و نه مستند فقهی. این در حالی است که تعیین دیه برای «شکستگی استخوان عضو» و تفصیل میان تحقق یا عدم تحقق بهبود، در منابع فقهی دارای سابقه است و مشهور فقها به آن تصریح کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۲/۴۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۲۹؛ خمینی، بی تا: ۵۸۷/۲). در ادبیات حقوقی کنونی نیز از این گزاره به مثابه یک قاعده و تحت عنوان «قاعده دیه شکستگی استخوان» یاد می‌شود (بای، ۱۳۹۴: ۶۵-۳۱). اما با این وصف، به نظر می‌رسد ادعای فقیهانی که به این قاعده معتقد شده‌اند مبنای شرعی استواری نداشته باشد و نتوان به راحتی ابتناء چنین گزاره یا قاعده‌ای را بر نصوص شرعی پذیرفت و در نتیجه به مفاد آن پایبند شد. زیرا ثبوت «یک پنجم دیه عضو در شکستگی بدون بهبود استخوان عضو دارای دیه مقدر» قاعده‌ای است اصطیادی از برخی فقرات روایت ظریف که این فقرات به واسطه برخی فرازهای دیگر این روایت نقض می‌شوند (بای، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۶) و از همین رو نمی‌توانند مستندی برای قاعده‌سازی به شمار آیند. بر این پایه، برخی فقیهان معاصر (خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۴۰۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸: ۲۱۲) با خرده گرفتن به این قاعده معتقد شده‌اند که نمی‌توان از حکم برخی استخوان‌ها در نصوص شرعی به یک قاعده کلی و شامل در این رابطه نائل آمد. بررسی تفصیلی مستندات فقهی قاعده دیه شکستگی خارج از حوصله این نوشتار است و نگارنده در پژوهشی مستقل به آن پرداخته و دیدگاه مختار خویش را بیان کرده است.^۱ با این حال و با در نظر گرفتن و تحلیل تمامی این مطالب، نگارنده معتقد است در مجموع سه نظریه مختلف ممکن است در خصوص شکستگی استخوان‌ها ارائه شود که عبارتند از:

۱. ر.ک: صادق پور، محمدجعفر، (۱۴۰۱)، «قاعده دیه شکستگی: بازتاب فاصله‌ای میان مشهور و مآثور»، پژوهش‌های فقهی، ش ۳، صص ۷۵۲-۷۳۳.

الف. نظریه مشهور

اعلب فقیهان امامیه (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۶؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲۵۴/۴؛ علّامه حلّی، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۲/۴۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۲۹؛ خمینی، بی تا: ۵۸۷/۲) در نگاشته‌های فقهی خود بر قاعده دیه شکستگی تصریح کرده‌اند که بر مبنای نظر ایشان شکستگی استخوان عضو دارای دیه مقدر، در صورت عدم بهبود یک پنجم دیه آن عضو را داراست و در صورت بهبود کامل، چهارپنجم از یک پنجم دیه آن عضو ثابت است.

ب. نظریه محقق خویی

با توجه به اینکه محقق خویی قاعده دیه شکستگی را چنانکه در نزد مشهور مقبول افتاده به جهت فقدان مستند استوار فقهی نمی‌پذیرد (خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۴۰۰)، معتقد است در هر یک از استخوان‌ها بایستی به نصوص شرعی رجوع نمود؛ اگر استخوان شکسته شده در نصوص شرعی دارای دیه مقدر است، همانند منکب (مفصل میان شانه و بازو)، ساعد، بند انگشتان و ... (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۴/۷ و ۳۳۵ و ۳۴۰ و ۳۴۱) به همان میزان برای آن دیه معین می‌شود، اما اگر برای آن دیه معین نشده، ارزش پرداخت خواهد شد. بر این پایه، اساساً گزاره‌ای کلی و عام به مثابه یک قاعده در شکستگی استخوان‌ها وجود ندارد.

پ. نظریه مختار

دقت و تأمل در مستندات نظریه مشهور نشان می‌دهد نمی‌توان به قاعده‌ای که در شکستگی استخوان‌ها اصطیاد کرده‌اند پایبند شد؛ زیرا روایت ظریف که تنها مستند این قاعده است، با مفاد آن تطابق ندارد؛ چه اینکه تنها پنج فقره از روایت ظریف می‌تواند مستند آن باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۴/۷) که این پنج فقره هم صرفاً ناظر بر صدر قاعده، آنهم بطور ناقص هستند و در عین حال با دیگر فقرات روایت تعارض دارند. با وجود این، نگارنده معتقد است می‌توان از فقرات دیگری از روایت ظریف، یک قاعده کلی و البته متفاوت با مشهور اصطیاد نمود که مطابق آن «در شکستگی استخوان عضو دارای دیه مقدر، اگر بهبود کامل یابد، یک پنجم دیه عضو ثابت است و اگر بهبود نیابد یا با ناقص بهبود یابد، ارزش پرداخت

واگرایی مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی با تأکید بر...؛ صادق پور | ۱۶۷ |

می‌شود». اثبات این نظریه نیازمند مباحث درازدامنی است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. اما فی‌الجمله باید دانست که شمار بیشتر فقرات مستند قاعده ادعایی نگارنده که به ده فقره می‌رسند (صدوق، ۱۴۱۳: ۸۴-۸۹/۴) نسبت به شمار اندک فقرات مستند قاعده مشهور و همچنین عدم معارض مستقر برای آنها، ابتناء قاعده را بر مبنای این فقرات تقویت می‌کند.

۳. چگونگی تقریر دیه شکستگی در قانون مجازات اسلامی

با توجه به مطالبی که تا کنون بیان شد، پرسش اساسی که در اینجا طرح می‌شود این است که مقنن در چنین وضعیتی چه موضعی را باید برگزیند؟ روشن است که پاسخ هرچه باشد، با آنچه اکنون در قانون منعکس شده متفاوت خواهد بود. با این حال، با توجه به اینکه مبنای اتخاذ فتاوی معیار در تقنین دقیقاً روشن نیست و مقنن در این زمینه از یک ملاک واحد تبعیت نکرده است، نگارنده بدون تعیین و ترجیح هر یک از مبانی، در دو محور کلی به تشریح مواضع احتمالی مقنن می‌پردازد.

۳-۱. مقنن به مثابه مقلد

اگر مقنن در تقنین مواد بر خود لازم نداند که در مبنای اقوال فقها غور کند بلکه همین مقدار که دیدگاهی در میان آنان طرح شده و در منابع معتبر فقهی بیان گردیده کافی است که بتواند آن را به مثابه فتوای معیار برای تقنین در نظر گیرد، در چنین صورتی وی یکی از این دو موضع را می‌تواند برگزیند:

۱. **اختیار دیدگاه مشهور:** مقنن می‌تواند با رجوع به دیدگاه مشهور فقها قاعده دیه شکستگی استخوان‌ها را در قانون منعکس سازد؛ چنانکه در ماده (۵۶۹) در این راستا اقدام کرده است. در این فرض لازم و ضروری است که کاستی‌ها و خلأهای احتمالی که در این نوشتار به آنها اشاره شد، برطرف شوند. نتیجه چنین رویکردی، حذف ماده (۵۶۸) و رفع خلأهای و چالش‌های ماده (۵۶۹) است.

۲. **اختیار دیدگاه غیر مشهور:** اگر مقنن به نظریه محقق خوئی و شاگردانش رجوع کند، نتیجه این خواهد بود که موارد مصرح شکستگی که در متون روایی برای آنها میزان خاصی

از دیه در فرض‌های مختلف بهبود یا عدم بهبود تعیین شده، به همان تقریر شرعی در متن قانون گنجانده می‌شوند و در موارد غیرمصرح ارش ثابت خواهد بود. به عنوان مثال، دیه شکستگی ساعد، زانو، آرنج و... همانگونه که در روایت ظریف و کلام برخی فقها آمده در متن قانون انعکاس می‌یابد و در غیر موارد مصرح ارش ثابت است.

۳-۲. مقنن به مثابه محقق

در صورتی که مقنن از حصار فتاوی فقهای فراتر رود و فارغ از آنها اقدام به تقنین نماید، باز هم می‌تواند دو موضع مختلف را برگزیند:

۱. **اختیار نظریه مختار:** مقنن می‌تواند با تمسک به فقرات مختلف روایت ظریف (ده فقره) به این نتیجه برسد که ثبوت یک پنجم دیه عضو در فرض شکستگی همراه با بهبود کامل صرفاً مختص این ده عضو نیست بلکه شامل استخوان اعضای دیگر هم می‌شود و از همین فقرات می‌توان دریافت که اساساً ثبوت یک پنجم دیه برای شکستگی همراه با بهبود، یک ضابطه کلی نزد شارع بوده و این موارد از انعکاسات آن به شمار می‌روند. در چنین فرضی، برای شکستگی همراه با بهبود کامل، یک پنجم دیه عضو تعیین خواهد شد و در صورت عدم بهبود یا بهبود ناقص، ارش متعین می‌شود.

۲. **اختیار نظریه ارش:** آخرین موضعی که مقنن می‌تواند برگزیند، نوعی خرق اجماع مرکب است که صرفاً ممکن است به جهت رفع مشکلات اجرایی اتخاذ شود. در این موضع‌گیری قانونگذار همچون فقهای مشهور به فرازهای روایت ظریف ناظر بر دیه شکستگی در موارد خاص عمل نمی‌کند و در عین حال به دلیل وجود اشکالاتی که در خصوص اصطیاد قاعده وجود دارد، نتیجتاً و از این زاویه بخصوص با غیر مشهور همراه شده و وجود قاعده را نیز منکر می‌گردد. در چنین صورتی و با چشم‌پوشی از نظریه مختار، چاره‌ای جز ثبوت ارش برای شکستگی استخوان‌ها و تقلیل میزان ارش در فرض بهبود آنها متناسب با نوع بهبود نخواهد بود.

البته بر نگارنده مخفی نیست که اختیار دو موضع اخیر با چالش‌هایی مواجه خواهد بود که از مهمترین آنها عدم تأیید شواری نگهبان است که طبعاً در چنین مواردی که مقررّه مطابق با فتاوی معتبر فقهی نیست، آن را خلاف شرع تشخیص می‌دهد.

نتیجه

با توجه به فرض حکیم بودن مقنن و اصل احترازیّت قیود، موضوع ماده (۵۶۸) «شکستگی عضو» و موضوع ماده (۵۶۹) «شکستگی استخوان عضو» است. بر این پایه، تعبیر شکستگی در ماده (۵۶۸) یک تعبیر مجازی است و ناظر بر آسیب‌دیدگی اعضایی همچون لاله گوش، آلت تناسلی مردانه و غضروف بینی است.

۱. اگر موضوع دو ماده فوق‌الذکر متعدد انگاشته شود، ماده (۵۶۸) فاقد مستند شرعی و نیز مستند فقهی خواهد بود. زیرا نه در نصوص شرعی برای «شکستگی عضو» به ترتیب مقرر در ماده مذکور تقریر دیه شده و نه در میان فقیهان امامیه چنین نگرشی وجود دارد. اما اگر مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) هر دو ناظر بر «شکستگی استخوان عضو» تلقی شوند، گرچه تعدد ماده و ضعف‌ها و خلأهای موجود در آن انکارناشدنی است، می‌توان این دو مقررّه را حاصل رجوع به دیدگاه مشهور در زمینه دیه شکستگی‌ها دانست. اما با این اوصاف، به نظر می‌رسد دیدگاهی که این دو ماده در چنین فرضی بر آن مبتنی شده، از استواری لازم برخوردار نیست؛ زیرا نمی‌توان مستندی از منابع شرعی برای آن به دست آورد. النهایه، در هر صورت دو مقررّه فوق‌الذکر به جهت و جاهت شرعی قابل نقد هستند.

۲. فارغ از مشروعیت و مستند شرعی مواد فوق‌الذکر، نوع تقنین این مواد با اشکالات و ابهامات متعددی همراه است که استواری این دو ماده را با چالش اساسی مواجه کرده است؛ وجود خلأهایی همچون خلأ فرض عدم بهبود (در هر دو ماده) یا بهبود ناقص (در ماده ۵۶۹) و تذبذب در ارائه ضابطه بهبود کامل از مهمترین این چالش‌هاست. همین خلأها و چالش‌ها موجب شده که برداشت‌های متفاوتی از این دو ماده صورت گیرد تا جایی که اداره حقوقی قوه قضائیه در این زمینه نظریات مشورتی متناقضی صادر نموده است.

۳. با توجه به یافته‌هایی که در این نوشتار ارائه شد ضروری است که ماده (۵۶۸) حذف شود و ماده (۵۶۹) با توجه به مبنایی که مقنن می‌تواند اتخاذ نماید نیازمند اصلاح است. نکته قابل توجه این است که هر موضع و مبنایی که مقنن بطور اصولی برگزیند، نتیجه با آنچه اکنون در قانون منعکس شده متفاوت است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ماده (۵۶۹) به یکی از چهار صورت زیر تغییر یابد:

الف. در صورت رجوع به فتوای مشهور: «دیه شکستن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر، در صورت عدم بهبود یک‌پنجم دیه آن عضو است و اگر بدون عیب بهبود یابد، چهارپنجم دیه شکستگی ثابت است. شکستگی استخوان عضوی که دیه مقدر ندارد و شکستگی عضو دارای دیه مقدر در فرض بهبود با عیب، موجب ارش است».

ب. در صورت رجوع به فتوای محقق خوینی (غیر مشهور)، با توجه به اینکه بایستی مقنن در هر مورد، دیه شکستگی اعضای مصرح در روایت ظریف را مطابق با روایت بیان کند، علاوه بر ذکر این موارد در جایگاه اختصاصی خود، ماده (۵۶۹) بدین شکل تنظیم خواهد شد: «در غیر از موارد مقرر در این قانون، شکستگی استخوان موجب ارش است. در محاسبه ارش، تحقق بهبود و نوع آن (کامل و ناقص) لحاظ می‌شود».

پ. در صورت پذیرش دیدگاه مختار: «شکستگی استخوان عضو دارای دیه مقدر، اگر بدون عیب بهبود یابد، موجب یک‌پنجم دیه عضو است. در صورت عدم بهبود یا بهبود ناقص شکستگی، ارش ثابت خواهد بود».

ت. در صورتی که به فرازهای ناظر بر موارد خاص تقریر دیه شکستگی در روایت ظریف رجوع نشود و همچنین قاعده اصطیادی فقها مورد تمسک قرار نگیرد و نظریه مختار مقبول نیافتد، مقنن می‌تواند ماده (۵۶۹) را به این شکل مقرر سازد: «شکستگی استخوان موجب ارش است. در محاسبه ارش، تحقق بهبود و نوع آن (کامل و ناقص) لحاظ می‌شود».



منابع

الف) فارسی

بای، حسینعلی، (۱۳۹۴)، «تأملی در قاعده دیه شکستگی استخوان‌ها»، حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

زراعت، عباس، (۱۳۹۵)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مبحث دیات، جلد ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.

صادق‌پور، محمدجعفر، (۱۴۰۱)، «قاعده دیه شکستگی: بازتاب فاصله‌ای میان مشهور و مأثور»، پژوهش‌های فقهی، شماره ۳.

مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۸۹)، فرهنگ نامه اصول فقه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

نظریه شماره ۷/۹۲/۱۲۸۹ مورخ ۷/۷/۱۹۲۷.

نظریه شماره ۷/۹۳/۱۹۰ مورخ ۷/۲/۹۳۰۶.

ب) عربی

تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۸)، تنقیح مبانی الأحكام - كتاب الديات، چاپ اول، قم، دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، جلد ۵، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، جلد ۲۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۰)، *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۲۲)، *مبانی تکملة المنهاج*، جلد ۴۲، ج اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي.
- سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳)، *مهذب الأحكام*، جلد ۲۹، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ج ۱۵، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- صاحب بن عباد، إسماعیل، (۱۴۱۴)، *المحيط فی اللغة*، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، عالم الكتاب.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد ۴، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶)، *مجمع البحرین*، جلد ۶، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، *النهائية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، *تهذیب الأحكام*، جلد ۱۰، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی (ط - الإسلامیه)*، جلد ۷، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، جلد ۴، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، *المقنعه*، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

واگرایی موادّ (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی با تأکید بر...؛ صادق پور | ۱۷۳ |

موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، جلد ۲، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.

نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۴۳، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العرب.

پ) انگلیسی

- Bay, Hoseinali. (2015). "A Contemplation on the Principle of Diah for Bone Fracture". *Journal of Islamic Law*. Vol 12, Number 44. [in persian]
- Tabrizi, Javad bin Ali. (2007). *Tanqih Mabani al-ahkam- Kitab al-Diat*. Dar al-Seddiqa al-Shagida. First edition. [in Arabic]
- Johari, Ismail ibn hamad. (1990). *Al-Sehah - Tajologha va sehah alarabia*. Volume5, Dar al-'elm lelmalayin. First edition. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad bin Hasan. (1989). *Wasael al-Shi'a*. Volume 29, Al al-Bayt Institute. First edition. [in Arabic]
- Helli, Hasan bin yusof bin Motahar. (1990). *Irshad al-Azhan ila Ahkam al-Iman*. Volume 2, Islamic publishing office affiliated with Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom. [in Arabic]
- Helli, Yahya ibn Sa'id. (1985). *Al-Jame' lel Shara'e'*. Sayyed al-Shohada al-Elmie Institue. [in Arabic]
- Khooyee, Sayyed Abolqasim. (2001). *Mabani Takmila al-Minhaj*. Volume 42, The Institution to revive Imam Khooyee's Works. First edition. [in Arabic]
- Zra'at, 'Abbas. (2017). *Expanded of Islamic Penal Code - Diat topic*. Volume 3, Javdaveh Publications. first edition. [in Persian]
- Sabzevari, 'Abd al-A'la. (1993). *Mohazzab al-Ahkam*. Volume 29, al-Minar Institute. fourth edition. [in Arabic]
- Shahid Thani, Zein al-Din bin 'Ali 'Ameli. (1993). *Masalik al-Afham ilā Tanqih Sharayi' al-Islam*. Volume 15, al-Ma'aref al-Islamia Institute. First edition. [in Arabic]
- Saheb ibn 'obbad, Isma'il. (1994). *Al-Mohit fi Loqah*. Volume 2. Beyrut: 'Alem al-ketab. First edition. [in Arabic]
- Sadeqpour, Mohammad Ja'far. (2022). "The Rule of Blood Money for Fractures: A Reflection on the Distance between the Popular View and the Islamic Traditions". *Journal of Jurisprudential Research*. Vol 18, Number 3. [in Persian]
- Sadooq, Mohammad bin Ali bin Babevaih (1992). *Man la Yahzarhoo al-Faqih*. Volume 4. Islamic publishing office affiliated with Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom. second edition. [in Arabic]

- Toreyhi, Fakhr al-Din. (1995). *Majm'a al-Bahrayn*. Volume 6. Mortazavi Bookstore. Third edition [in Arabic]
- Toosi, Abu Ja'far Mohammad ibn Hasan. (1979). *Al-Nehaya fi Mojarrad al-Fiqh va al-fatavi*. Dar al-Kitab al-Arabi. second edition. [in Arabic]
- Toosi, Abu Ja'far Mohammad ibn Hasan. (1986). *Tahzib al-Ahkam*. Volume 10. Dar al-Kotob al-Islamia. fourth edition. [in Arabic]
- Koleini, Mohammad bin Ya'qub. (1986). *Al-Kafi*. Volume 7. Dar al-Kotob al-Islamia. fourth edition. [in Arabic]
- Mohaqeq Helli, Ja'far bin Hasan. (1987). *Shara'e' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram*. Volume 4. Isma'ilian Institute. second edition. [in Arabic]
- Center for Islamic Information and Documents. (2010). *Dictionary of principles of jurisprudence*. Islamic Science and Culture Research Institute. first edition. [in Persian]
- Mofid, Mohammad bib Mahammad bin No'man. (1992). *Al-Moqna'e. Millennium Congress of Sheykh Mofid*. First edition [in Arabic]
- Moosawi Khomeini, Sayyed Ruhollah (n.d). *Tahrir al-Wasila*. Volme 2, Dar al-'elm Press Institute. First edition [in Arabic]
- Najafi , Mohammad bin Hasan. (1983). *Javahir al-Kalam fi Sharh Shara'e' al-Islam*. Volume 43, Dar Ihya al-Torath al-'Arabi. seventh edition. [in Arabic]

استناد به این مقاله: صادق پور، محمدجعفر. (۱۴۰۱). واگرایی مواد (۵۶۸) و (۵۶۹) قانون مجازات اسلامی در راستای تعیین دیه شکستگی با تأکید بر نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۱)،
doi: 10.22054/jclr.2023.59592.2301:۱۵۳-۱۷۴



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی